



The Role of Family and School on the Formation of Gender Identity of Girls: A Qualitative Study

Maryam Raouf Malayeri¹, Saeed Beheshti¹, Hossein Eskandari²,
Abbas Abbaspour³

1. Dept. of Philosophy and Islamic Education, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Dept. of Psychology, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3. Dept. of Educational Management and Planning, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Article Information

Article History:

Received: 2018/06/23

Accepted: 2018/09/22

Available Online 2018/10/01

IJHEHP 2018; 6(3): 302-311

DOI:

10.30699/acadpub.ijhehp.6.3.302

Corresponding Author:

Saeed Beheshti

Dept. of Philosophy and
Islamic Education, Faculty
of Psychology & Educational
Sciences, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Tel: 09123905391

E-mail:

beheshti@atu.ac.ir

Use your device to scan
and read the article online



Abstract

Background and Objective: "Gender Identity" is defined as the image and emotionality that a woman or man has of themselves, as well as expectations of being a distinct and different gender. Many factors are involved in the formation of gender identity. This article aims at investigating the role of family and school interactions in promoting girls' gender-health.

Methods: This study is a qualitative study using content analysis method. The sampling of this research was purposeful sampling and continued until data saturation. 18 semi-structured interviews were conducted with expert and knowledgeable individuals in the fields of psychology, education, and Islamic studies. Data analysis was performed through qualitative content analysis method, and simultaneously while interviews being done.

Results: The process of data analysis led to the extraction of the 3 main elements in formation of gender identity, which included: the role of family, the role of school, and the role of school- home based interactions.

Conclusion: According to the findings of this study, the family and school are among the most important institutions for the development of healthy gender identity, and the proper interactions between these two institutions are essential factors in formation of healthy gender identity, as it contributes to the harmonious upbringing of girls being institutionalized. The results of this paper can be used to determine the necessities and priorities of educational measures in girls' schools, as well as to implement the guidelines of the document on the fundamental transformation of education.

Keywords: Family, School, Gender Identity, Girls

Copyright © 2018 Journal of Health Education and Health Promotion. All rights reserved

How to cite this article:

Raouf Malayeri M, Beheshti S, Eskandari H, Abbaspour A. The Role of Family and School on the Formation of Gender Identity of Girls: A Qualitative Study . Iran J Health Educ Health Promot. 2018; 6 (3) :302-311

Raouf, Malayeri, M., Beheshti, S., Eskandari, H., Abbaspour, A. (2018). The Role of Family and School on the Formation of Gender Identity of Girls: A Qualitative Study . *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*; 6 (3) :302-311



نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران

مریم رئوف ملایری^۱، سعید بهشتی^۱، حسین اسکندری^۲، عباس عباس‌پور^۳

۱. گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۳. گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: هویت جنسیتی تصویر و انتظاراتی است که زن یا مرد از خود به عنوان جنس متمایز و متفاوت با جنس دیگر دارد. عوامل بسیاری در شکل‌گیری هویت جنسیتی نقش دارند. مقاله حاضر با هدف تعیین نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران نگاشته شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر مطالعه‌ای کیفی به روش تحلیل محتواست. نمونه‌گیری این پژوهش هدفمند است که تا اشیاع داده‌ها ادامه یافت. ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان و افراد مطلع در حوزه‌های روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اسلامی انجام گرفت. داده‌ها همزمان با انجام مصاحبه‌ها و به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند.

یافته‌ها: فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه درون‌مایه اصلی در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی شد که شامل نقش خانواده، نقش مدرسه و نقش تعاملات بین مدرسه و خانه بود.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این مطالعه خانواده و مدرسه از اصلی‌ترین نهادهای شکل‌دهنده هویت جنسیتی هستند و برقراری تعامل مناسب بین این دو نهاد از عوامل ضروری در شکل‌گیری هویت جنسیتی سالم است. چراکه موجب تربیت هماهنگ دختران و نهادینه شدن رفتار می‌شود. نتایج این مقاله می‌تواند در تعیین ضرورت‌ها و اولویت‌های اقدامات تربیتی در مدارس دخترانه و همچنین در تحقق منویات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: خانواده، مدرسه، هویت جنسیتی، دختران

کپی‌رایت ©: حق چاپ، نشر و استفاده علمی از این مقاله برای مجله آموزش بهداشت و ارتقای سلامت محفوظ است.

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله
دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲
پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۳۱
انتشار آنلاین: ۱۳۹۷/۰۷/۰۹

IJHEHP 2018; 6(3): 302-311

نویسنده مسئول:

سعید بهشتی

گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی،
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی،
دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران

تلفن: ۰۹۱۲۳۹۰۵۳۹۱

پست الکترونیک:

beheshti@atu.ac.ir

برای دانلود این مقاله، کد زیر را با
موبایل خود اسکن کنید.



مقدمه

Faransis Fokoyama نظریه‌پرداز آمریکایی درباره مسئله تفاوت جنسیتی و تأثیر آن بر نهاد خانواده می‌گوید: «یکی از یافته‌های جدید علوم طبیعی، که تأثیر زیادی بر درک ما از نقش‌های جنسیتی و خانواده دارد، وجود تفاوت روان‌شناختی میان مردان و زنان است.» او معتقد است که سیاست‌گذاری‌های عمومی باید بیشتر به مسئله جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی توجه کند (۳).

شناخت و باور افراد نسبت به هویت جنسیتی خود متأثر از شرایط فرهنگی - اجتماعی، آموزه‌ها و شیوه‌های تربیتی و ارزش‌های معرفی‌شده به آنان است. لذا هویت جنسیتی هویتی است برآمده از هویت‌های مختلف که شرایط، عوامل و نقش‌های مختلف فردی و اجتماعی در تکوین و تبلور آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم دخیل هستند (۴).

زیست‌شناسان «هویت جنسیتی» را تصویر و احساسی تعریف کرده‌اند که زن یا مرد از زن بودن یا مرد بودن خود دارد و نیز انتظاراتی است که فرد، به عنوان یک جنس متمایز و متفاوت با جنس دیگر، از خود دارد (۱). دایره‌المعارف انگلیسی‌زبان «سیچ» می‌نویسد: «جنس» به ویژگی‌های طبیعی یک نوع خاص برمی‌گردد، همچون سطوح هورمونی، اندام‌های جنسی داخلی و خارجی و توانمندی تولیدمثل و غیره. اما واژه «جنسیت» را اولین بار Gayle Rubin در گفتگوهای علمی به کار برد تا به مجموعه‌ای از فرایندها، اشکال مختلف رفتار و روابط و نقش‌های متفاوتی که جامعه به زنان و مردان می‌دهد دلالت کند. نقش‌های جنسیتی از تفاوت میان دو جنس متمایز است. مفهوم جنسیت به این امر اشاره دارد که زن و مرد بودن تنها با ابعاد فیزیکی و زیستی تعیین نمی‌شود (۲).

حساسیت مسئله هویت به این دلیل است که این مقوله به‌شدت تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک پیرامون خود قرار دارد. پدیده جهانی شدن و برخورداری از هویت‌های چندپاره موجبات گم‌گشتگی جوانان و ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها را فراهم ساخته است. در این میان، مسئله هویت دختران بیشترین سهم را در پذیرش این آثار داراست (۱۰). اکنون دستیابی به الگویی معتبر برای عمل و نقشه راه در مسیر تربیت دختران، شناسایی و تثبیت ارزش‌ها، هویت‌بخشی به دختران، و قرار گرفتن زنان و دختران در جایگاه حقیقی خود، از اولویت بسیاری برخوردار است (۷). در بحران هویت‌یابی موجود، رشد و تعالی فرد و اجتماع بسته به آن است که همه تأثیرگذاران بر تربیت، از خانواده و مدرسه تا نهادهای غیررسمی، به هماهنگی دست یابند و پیام‌های ناسازگار صادر نسازند (۱۱). با وجود مشخص شدن عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت جنسیتی، مانند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، هنوز می‌توان از خانواده به‌عنوان اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین محور تربیتی نام برد. با این حال تاکنون در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران متناسب با فرهنگ جامعه ما مطالعه‌ای صورت نگرفته تا اصلی‌ترین عوامل هویت‌بخشی در ایران مشخص شود.

در زمینه شکل‌گیری صحیح هویت جنسیتی می‌باید بستر و فضایی که در آن هویت فرد شکل می‌گیرد شناخته شود. از آنجا که هویت شرط لازم زندگی فردی و اجتماعی است و برقراری ارتباط معنادار و مستمر افراد با یکدیگر و با جامعه بدون آن ممکن نیست، این‌گونه شناخت مورد توجه اکثر اندیشمندان عرصه جامعه‌شناسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران صورت گرفته و درصدد بررسی تأثیر و نقش همیاری و تلاش یکپارچه خانواده و مدرسه در تربیت دخترانی فرهیخته، موفق، با هویت استوار و غیرمتزلزل است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی به روش تحلیل محتوا (content analysis) است. این پژوهش به بررسی نقش تعاملات خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی در دختران می‌پردازد. نمونه‌گیری این پژوهش هدفمند و از نوع هتروژنیک است که تا اشیاع داده‌ها ادامه یافت. معیار هدفمندی، گزینش متخصصان و افراد مطلع در حوزه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اسلامی و مرتبط با دوره‌های دانش‌افزایی اولیا در مدارس خاص مذهبی دخترانه متوسطه تهران بود. در این پژوهش، ۱۸ متخصص که از این موضوع اطلاع کامل داشتند و تجربه فعالیت در مدرسه را داشتند به صورت هدفمند انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. با توجه به اینکه از دو مصاحبه پایانی هیچ کد جدیدی استخراج نشد، اشیاع داده‌ها حاصل شد و نمونه‌گیری متوقف شد. در این مطالعه مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که از آن‌ها هیچ کد جدیدی استخراج نشد (۲).

ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه مصاحبه

تعریف هویت و طرق شکل‌گیری آن در طول چرخه زندگی سال‌هاست که توجه محققان را به خود جلب کرده است (۵). در تعریف جامعی که در سند تحول آموزش و پرورش ایران آمده است، به زوایا و مؤلفه‌های بیشتری در شکل‌گیری هویت توجه شده است: «هویت برآیند مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، اعمال و صفات آدمی است. از این‌رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص و تا حدودی متأثر از شرایط اجتماعی است. بینش و گرایش درونی، زمینه باور (ایمان) و تکوین اراده (تصمیم معطوف به عمل) را در وی فراهم می‌آورد و با عمل و تکرار آن، به تدریج هویت فرد شکل می‌گیرد. همین امور نیز در هرگونه تحول هویت پس از تکوین اولیه آن نقش‌آفرین است» (۶).

پرواضح است که با وجود اشتراکات انسانی و ارزش‌های مشترک زن و مرد، صفات تکوینی متمایز جسمی، شناختی، گرایشی و رفتاری زن و مرد، آن دو را به دو موجود متمایز اما مکمل یکدیگر تبدیل کرده است. برخی از نقش‌های زنانه و مردانه زمانمند است و در تحولات اجتماعی جایگزین می‌پذیرد؛ اما بسیاری از آن‌ها ثابت به حساب می‌آید. آنچه در سده اخیر رخ داده؛ نادیده گرفته شدن سهم تأثیر صفات تکوینی و شکل دادن به موقعیت‌ها و نقش‌ها، ظهور تمایلات برابری‌طلبانه و تحقیر و تغییر جایگاه خانواده و افت جایگاه جنسیت در میان اندیشمندان بوده است (۷).

ضرورت برقراری تناسب میان نظام تربیت و خانواده و جنسیت در طول تاریخ از بدیهیات شمرده شده است، با این همه می‌بینیم که در سده اخیر، نظام آموزشی مدرن این ضرورت را نادیده گرفته است. دیدگاه‌های فمینیستی و نظام تربیت در کشورهای غربی چه با دولت‌های لیبرالیستی و چه با دولت‌های سوسیالیستی، نه تنها تمایزات جنسیتی را در نظام تربیت نمی‌پذیرند، بلکه نظام تربیتی آندروژنی (دوجنسیتی) را پی می‌گیرند، که به معنای پرورش دختران و پسران بر اساس الگوی زن-مردی است. در کشور ما نیز بسیاری از کارشناسان آموزش و پرورش تفاوت‌های تکوینی دختر و پسر را در ابعاد روانی نمی‌پذیرند، یا آن‌ها را در نظام تربیتی مؤثر نمی‌دانند (۸).

همان‌طور که گفته شد، جنس زن و مرد با وجود برخورداری از مشترکات و تشابهات زیستی بسیار، دارای تفاوت‌ها و تمایزاتی هستند که در تمامی حیطه‌های مرتبط با جنسیت از جمله برنامه‌ریزی‌های تربیتی باید لحاظ شوند. تفاوت‌های بیولوژیکی، از جمله تأثیر نوسانات هورمونی بر مغز دختران، زمینه‌ساز ویژگی‌های رفتاری و روانی متمایزی است. عقل سلیم می‌گوید دخترها و پسرها رفتار متفاوتی دارند. از آغاز بنیاد دختر، دخترانه و بنیاد پسر، پسرانه ریخته می‌شود. مغز آن‌ها از بدو تولد با هم تفاوت دارد. دانشمندان مجموعه حیرت‌انگیزی از تفاوت‌ها را به بوتۀ تحقیق گذاشته‌اند، تفاوت‌هایی که به لحاظ کارکردی، هورمونی، ژنتیکی، شیمیایی، و ساختاری بین مغز زن و مرد وجود دارد (۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی و پردازش آن‌ها با روش نظام‌مند و شفاف ۷ مرحله‌ای زیر صورت گرفت:

مرحله اول: مصاحبه‌ها مکتوب و برای تحلیل محتوای کیفی مرتب شدند.

مرحله دوم، تعریف واحد تحلیل: قبل از شروع کدگذاری و برای آشنایی کامل با داده‌ها، تمام متن‌ها چندین بار خوانده شدند و در مورد واحد تجزیه و تحلیل در این مرحله تصمیم‌گیری شد.

مرحله سوم، تکوین مقوله‌ها و یک طرح رمزگذاری: طراحی برای توسعه کدها و طبقات در این مرحله انجام گرفت. طبقات با رویکرد استقرایی از مصاحبه خام استخراج شدند. پژوهشگر با استفاده از روش مقایسه مداوم، توانایی تمایز قائل شدن بین طبقات را پیدا کرد.

مرحله چهارم، رمزگذاری همه متن: کدگذاری انجام شد. متن تایپ‌شده در برنامه WORD وارد نرم‌افزار خاص تحلیلی کیفی MAX QDA۳ نسخه ۲۰۰۷ شد و کدگذاری مجدداً صورت گرفت. بعد از مرحله کدگذاری، داده‌ها سازماندهی شدند تا برای مراحل بعدی کدگذاری آماده شوند. در کدگذاری در برنامه MAX QDA۳ داده‌ها خط به خط بررسی شدند و به هر جمله مرتبط یک کد اختصاص یافت.

مرحله پنجم، ارزیابی انسجام کدگذاری: تمام متن کدگذاری شد. در طول فرایند کدگذاری، پژوهشگر به صورت مداوم کدگذاری را کنترل کرد تا از توافق بین نظرات مشارکت‌کنندگان و اعضای تیم اطمینان حاصل کند.

مرحله ششم، استخراج نتایج از داده‌های رمزی: در این مرحله، کدگذاری تثبیت شد و مجدداً کنترل صورت پذیرفت. البته نسخه‌نویسی و مرور اولیه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در جمع‌آوری داده‌ها به پژوهشگر کمک بسیار کرد تا به این وسیله تعامل بهتری با مشارکت‌کنندگان بعدی برای به دست آوردن تجارب آن‌ها در کشف فرایند ایجاد شود. در نهایت داده‌های رمزی استخراج شدند.

مرحله هفتم، گزارش روش و یافته‌ها: درباره داده‌های کدگذاری شده نتیجه‌گیری شد. در این مرحله، پژوهشگر بر اساس نتیجه‌گیری داده‌ها سازهایی از معانی را مطرح کرد و گزارش نهایی ارائه شد.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان ۱۸ نفر بودند که ۵۰ درصد آن‌ها زن و ۵۰ درصد مرد بود. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۵۸ سال بود. سایر مشخصات جمعیتی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

از یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کیفی، در موضوع مورد پژوهش سه طبقه اصلی به دست آمد: نقش خانواده، نقش مدرسه، نقش تعاملات بین مدرسه و خانه (جدول ۲).

نیمه‌ساختاریافته است. با بررسی اسناد و متون مختلف سؤالات اولیه مطالعه طراحی شدند و مصاحبه با سؤالاتی شروع شد همچون: «مؤلفه‌های هویت جنسیتی دختران چیست؟ چه عواملی می‌تواند در شکل‌گیری باور درست و تکوین شخصیت متعادل دخترانه همراه با احساس عزت نفس و رضایت جنسیتی مؤثر باشد؟ تجارب عملی مثبت و منفی در هویت‌بخشی یا هویت‌زدایی دخترانه کدام‌اند؟ در محیط مدرسه، دختران چه نقش‌هایی را باید بیاموزند و بر عهده بگیرند؟ امروزه مادران چه نقشی در شکل‌گیری، رشد یا تضعیف هویت جنسیتی دختران دارند؟ نقش مربیان در مدرسه به چه شکلی در رضایت جنسیتی دختران مؤثر است؟» مصاحبه با روندی اکتشافی به انجام رسید. هدف از طرح سؤالات نیمه‌ساختاریافته این بود که مشارکت‌کنندگان با سهولت به آن‌ها پاسخ دهند و تجارب خود را به راحتی منتقل سازند. قبل از مصاحبه، با مشارکت‌کنندگان در مورد اهداف مطالعه صحبت شد و از آنان رضایت کتبی و آگاهانه برای شرکت در مطالعه گرفته شد. مصاحبه‌ها با اجازه و رضایت کتبی افراد ضبط شد و بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه، هریک به طور دقیق نوشته و کدگذاری شد و پس از تحلیل هرکدام، مصاحبه بعدی انجام گرفت. با هر فرد یک‌بار به صورت کامل مصاحبه شد و بعد از پیاده کردن مصاحبه، در صورت وجود ابهام در سخنان مشارکت‌کننده، مصاحبه دیگری برای روشن شدن ابهام‌ها ترتیب داده شد. مصاحبه‌ها بسته به علاقه مشارکت‌کننده به ادامه مصاحبه، ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید.

به منظور اعتبار بخشی به داده‌ها، معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن به کار برده شدند (۱۳). برای اطمینان حاصل کردن از صحت و پایایی داده‌ها، از معیارهای مقبولیت، قابلیت اطمینان ثبات و قابلیت تأیید استفاده شد. برای این منظور درگیری طولانی مدت پژوهشگر با موضوع پژوهش و داده‌ها و نیز مشاهده کدهای استخراج‌شده و متن مصاحبه توسط چند تن از مشارکت‌کنندگان، تأییدی بر مقبولیت پژوهش بود. قابلیت اطمینان یعنی ثبت داده‌ها در اسرع وقت و ثبت دقیق کلیه مراحل پژوهش توسط پژوهشگر. برای تأیید پذیری پژوهش، بخش‌های از مصاحبه‌ها همراه با کدها و زیر کدها استخراج شده و مورد ارزیابی ناظران خارج از تیم تحقیق و آشنا به مطالعه کیفی، شامل متخصصان روانشناسی و آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، قرار گرفت.

در مورد رعایت نکات اخلاقی پژوهش، علاوه بر معرفی خود و بیان اهداف پژوهش، از مشارکت‌کنندگان درخواست شد نظرات خود را در مورد تعاملات خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران بیان کنند. پیش از شروع مصاحبه، برای ضبط صدا و یادداشت‌برداری از مشارکت‌کنندگان اجازه گرفته شد و به آنان اطمینان داده شد که هنگام انتشار نتایج، کلیه اطلاعات فردی آن‌ها محرمانه خواهد ماند. مشارکت‌کنندگان مختار بودند در صورت مایل نبودن به ادامه مصاحبه از مطالعه خارج شوند.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشخصات	متغیرها	تعداد	درصد
جنس	زن	۹	۵۰
	مرد	۹	۵۰
تحصیلات	دکتر	۱۱	۶۱
	فوق‌لیسانس	۵	۲۸
	کارشناسی	۲	۱۱
	محقق تربیت دینی جوانان	۹	۵۰
تخصص و رشته تحصیلی	آموزش بهداشت و ارتقای سلامت	۱	۶
	متخصص روانشناسی و علوم تربیتی	۸	۴۴

جدول ۲. روند شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران بر اساس تعاملات خانواده و مدرسه

طبقات	زیرطبقات
نقش خانواده	عملکرد پدر و مادر در تکریم یکدیگر
	عملکرد پدر و مادر در حفظ جایگاه ارزشی فرزندان
	مقبولیت، محبوبیت و نشاط و خوش‌خلقی پدر و مادر
	آموزش چگونگی حفظ چارچوب خانواده در منازعات و مشکلات
شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران	توجه به مناسبات خانواده
	آموزش خانواده و ارائه مشاوره به خانواده
	معرفی الگوهای موفق به دانش‌آموزان
	آموزش برقراری توازن بین نقش‌ها
	آموزش مهارت‌های زندگی
	مسئولیت دادن و مسئولیت‌پذیر بار آوردن دانش‌آموزان
هماهنگی بین خانه و مدرسه	عملکرد مناسب اولیای مدرسه و متناسب بودن حرف و عمل
	همسوسازی آموزش‌ها در مدرسه و خانه
	متناسب بودن آموزش مدارس با عملکرد خانواده‌ها
تعدیل بخشی و مداخله‌گری مدرسه در مسائل خانواده	

جنسیت خود راضی و برای آن احترام قائل است، پرسیده می‌شود چطور به این نقطه مطلوب رسیدی؟ می‌گوید: چشم باز کردم دیدم پدرم به مادرم احترام می‌گذارد، پس متوجه شدم این یک جنسیت مطلوب است. چشم باز کردم دیدم پدرم از باب دختر بودنم من را تکریم می‌کند. بنابراین الگو بودن پدر و مادر و عملکرد صحیح آن‌ها در کانون خانواده باعث شکل‌گیری صحیح نقش‌ها می‌شود.»

او همچنین بیان می‌کند: «بهترین بستر برای اینکه هویت جنسیتی دختر درست رشد کند، خانواده‌ای است که پدر و مادر نقش خود را در آن درست ایفا کنند و پدر در حرف، در سخن و در برخورد، مادر یا همسر را تکریم کند. تکریم همسر به گمان من در شکل‌گیری هویت زنانه دختران بسیار اثر

طبقه اول (نقش خانواده) شامل پنج زیرطبقه است که عبارت‌اند از: عملکرد پدر و مادر در تکریم یکدیگر؛ عملکرد پدر و مادر در حفظ جایگاه ارزشی فرزندان؛ مقبولیت، محبوبیت و نشاط و خوش‌خلقی پدر و مادر؛ آموزش چگونگی حفظ چارچوب خانواده در منازعات؛ و توجه به مناسبات خانواده.

الف) عملکرد پدر و مادر در تکریم یکدیگر

مشارکت‌کنندگان عملکرد پدر و مادر را عاملی اساسی در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران در دوره قبل از مدرسه دانستند.

مشارکت‌کننده «الف» با تخصص پژوهش در امور تربیت دینی جوانان بیان کرد: «هنگامی که از دختر موفق، که از

دارد، این تکریم متقابلاً احساس رضایت می‌آورد.»

ب) عملکرد پدر و مادر در حفظ جایگاه ارزشی فرزندان

خانم مشارکت‌کننده «ش» با تخصص روانشناسی بیان می‌کند: «اگر دختر از کودکی در دامن والدینی آگاه، دخترانه تربیت شود، هنگام نوجوانی، جوانی و بزرگسالی موفق به ایفای درست نقش‌هایش خواهد شد. در خانواده‌هایی که پسران از آزادی بیشتری برخوردارند، در دختران حس حسادت ایجاد می‌شود و آرزو می‌کنند که پسر باشند.»

پ) مقبولیت، محبوبیت و نشاط و خوش خلقی پدر و مادر

امروزه در گفتگو از نقش پدر و مادر در تربیت فرزندان، از دو عامل کلیدی مقبولیت و محبوبیت والدین بسیار سخن می‌رود. چنانچه جایگاه ارزشی و اقتدار منطقی و اصولی هریک از پدر و مادر توسط یکدیگر یا به وسیله هر عامل دیگری متزلزل شود، کار تربیت فرزندان بسیار دشوار می‌شود و پایداری و ثبات خانواده خدشه‌دار می‌شود. تلفیق اقتدار و عاطفه و محبت عمیق پدری و مادری، نقش سکان‌داری آنان را تقویت می‌کند و فرزندان را به داشتن برترین حامی و پشتیبان یعنی کانون گرم و استوار خانواده دلگرم می‌سازد. تخریب شدن یا آسیب دیدن این سنگر نگه‌دارنده، آغاز قطعی و مسلم هجوم خطرات بر فرزندان ماست.

مشارکت‌کننده «الف» با تخصص مطالعات تربیتی جوانان بیان می‌کند: «نقش پدر بسیار اساسی است. اخلاق و برخورد خوب و نشاط‌آفرین پدر و مقبولیت او بسیار مهم است. محبت، توجه و عاطفه موجب می‌شود علاقه دختر به مرد به طور طبیعی بیشتر شود. دو رکن حسن خلق و مقبولیت نقش اساسی پدر است. اگر پدر این نقش‌ها را درست ایفا کند و از طرف دیگر مادر، در دو نقش همسر داری و فرزندپروری کوتاهی نکند، همبستگی افراد در حفظ خانواده شکل می‌گیرد.»

مشارکت‌کننده «ر» با تخصص علوم تربیتی می‌گوید: «نقش مادر در جایگاه رشد و نمو و تربیت فرزندان و حفظ کانون گرم و امن خانواده باید از سوی همسر نیز ارزش‌گذاری و قدردانی شود. به گمان من، این امر ارکان اصلی رضایت جنسیتی و شکل‌گیری هویت استوار جنسیتی را، در آن خانه و در وجود فرزندی که در این فضا رشد می‌کند، پایه‌گذاری می‌کند. پرواضح است که این تفاهم و سلوک عقلانی و عاطفی در تکوین هویت و باورداشت جایگاه جنسیتی دختران تأثیر بنیادین دارد.»

ت) آموزش چگونگی حفظ چارچوب خانواده در منازعات و مشکلات

با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان، طریقه برخورد والدین در منازعات بسیار مهم است و در رفتار دختر تأثیرگذار است.

مشارکت‌کننده «خ» با تخصص مطالعات تربیتی بیان می‌کند: «دختران باید به این باور برسند که در منازعات به تنها چیزی که آسیب نمی‌رسد چارچوب خانواده است. پدر و

مادر با هم دعوا و قهر می‌کنند، و دوست می‌شوند ولی در این میان زندگی تهدید نمی‌شود. به این ترتیب دختر باید درک کرده باشد که اساساً منازعات پدر و مادر جزئی از زندگی است، نه تهدیدی برای زندگی.»

ث) توجه به مناسبات خانواده

آقای مشارکت‌کننده «الف» با تخصص مطالعات تربیت دینی نوجوانان می‌گوید: «نقش پدر و مادر بسیار اساسی است. پدر و مادر، به‌عنوان همسر، باید هریک در جایگاه خود نقش خود را به‌خوبی ایفا کند. این نحوه عملکرد هم موجب رضایت جنسیتی و هم تجربه‌اندوزی فرزندان می‌شود.»

طبقه دوم (نقش مدرسه) شامل شش زیرطبقه است، شامل: آموزش خانواده (کلاس دانش‌افزایی) و ارائه مشاوره به خانواده، معرفی الگوهای موفق، آموزش برقراری توازن بین نقش‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی، مسئولیت دادن و مسئولیت‌پذیر بار آوردن دانش‌آموزان، عملکرد مناسب اولیای مدرسه (متناسب بودن حرف و عمل).

الف) آموزش و ارائه مشاوره به خانواده

ازجمله نقش‌های مهم مدرسه در شکل‌گیری هویت نوجوانان و جوانان، آموزش به خانواده‌هاست.

آقای مشارکت‌کننده «ک» با تخصص روانشناسی بیان می‌کند: «مدرسه باید بررسی دائمی با فهرستی معین داشته باشد، فهرستی که در آن درباره رضایت مادر در خانواده، رضایت پدر، عزت‌نفس و... پرسش شده باشد، اینکه آیا دختر از عملکرد پدر نسبت به مادرش راضی است؟ این گونه موارد باید با پرسش‌نامه‌هایی دائماً رصد شوند و هرگونه نارضایتی ریشه‌یابی و حل شود. اگر این کار از دبستان شروع شود، اصلاً در دبیرستان کار به ناکجاآباد نمی‌رسد.»

آقای مشارکت‌کننده «الف» با تخصص مطالعات تربیت دینی نوجوانان می‌گوید: «چیزی که بسیار مهم است الگوی رسیدگی به فرد فرد خانواده‌هاست. یعنی به هر خانواده‌ای به تناسب شرایطش باید رسیدگی شود و مدارس باید در این زمینه توانمند باشند تا بتوانند کمک کنند خانواده‌ها درست عمل کنند.»

ب) معرفی الگوهای موفق به دانش‌آموزان

خانم مشارکت‌کننده «ع» با تخصص علوم تربیتی بیان می‌کند: «برای اینکه زن به زن بودن خود افتخار کند، به مسلمان بودن و ایرانی بودن خود ببالد، به الگوهای موفق نیاز است. لازم نیست به نوجوان بگوییم چگونه باش، کافی است ۱۰-۲۰ الگو پیش روی او بگذاریم تا به مرور مسیر خود را بیابد.»

آقای مشارکت‌کننده «خ» با تخصص مطالعات تربیت دینی می‌گوید: «بچه‌ها باید برون‌داده‌های موفق این نظام تربیتی را ببینند و از آن‌ها الگو بگیرند. بچه‌ها و به‌خصوص دخترها شدیداً دنبال الگو هستند، الگوهایی که قبولشان داشته باشند. بنابراین معرفی فارغ‌التحصیل‌های موفق مدرسه

بسیار تأثیرگذار است.»

پ) آموزش برقراری توازن بین نقش‌ها

آقای مشارکت‌کننده «ک» با تخصص روانشناسی بیان می‌کند: «بچه باید بیش از آنچه می‌شنود ببیند، مثلاً مادر با اینکه پزشک است، قبل از بچه‌ها خانه باشد و این حس را القا کند که تو مهم‌تری و برای من نقش مادری مهم‌تر از شغل پزشکی است. با این شیوه عملی دیگر نیازی به ابراز و اظهار نیست و برای بچه‌ها اولویت‌ها و ارزش‌ها مشخص می‌شود.»

آقای مشارکت‌کننده «ت» با تخصص آموزش بهداشت و ارتقای سلامت می‌گوید: «زمانی که بچه متوجه شود چه نقشی باید ایفا کند و در چه موقعیتی چه نقشی باید داشته باشد، هیچ‌کدام از این نقش‌ها در تعارض با هم قرار نمی‌گیرند. اینکه فرد بتواند این نقش‌ها را بشناسد و در هر موقعیتی نقش خود را متناسب با فضا به‌خوبی ایفا کند، خلأی است که فکر می‌کنم از لحاظ آموزشی و از لحاظ مهارتی داریم.»

ت) آموزش مهارت‌های زندگی

آقای مشارکت‌کننده «ت» با تخصص آموزش بهداشت و ارتقای سلامت می‌گوید: «با برنامه‌های آموزشی مناسب و با نقش‌هایی که به بچه‌ها داده می‌شود، می‌توانیم مهارت‌ها را به آن‌ها یاد دهیم، چه در بعد فردی و چه در بعد سازمانی، سیستمی و اجتماعی. و این سبک زندگی را شکل می‌دهد.»

خانم مشارکت‌کننده «ط» محقق و نویسنده در حوزه تربیت دینی می‌گوید: «معلومات ادبی، معلومات جغرافیایی، تاریخی و به طور کلی اطلاعات عمومی دختر مسلمان باید در سطح بالایی باشد. و باید حتماً با زبان عربی و انگلیسی به طور کاربردی آشنا باشد. این معلومات باید در قالبی باشند که به بچه‌ها بینش دهند تا سطحی نباشند و در زمینه‌های مختلف توانمند باشند.»

ث) مسئولیت دادن و مسئولیت‌پذیر بار آوردن دانش‌آموزان

خانم مشارکت‌کننده «ز» با تخصص علوم تربیتی می‌گوید: «مدرسه و خانواده بستر بسیار مناسبی برای آموزش و تجربه‌اندوزی فرزندان است. با آموزش مسئولیت‌پذیری او را نسبت به عملکرد خودش مسئول و متعهد می‌سازیم. او یاد می‌گیرد که نسبت به کارهای خود باید پاسخگو باشد.»

آقای مشارکت‌کننده «الف» با تخصص مطالعات تربیت دینی می‌گوید: «از نظر من، در دوران بعد از بلوغ مهم‌ترین محور رشد بچه‌ها این است که به آن‌ها مسئولیت داده شود و مسئولیت‌پذیری آن‌ها رشد کند. لذا امور باید به‌عنوان مسئولیت به آن‌ها محول شوند، حتی درس خواندنشان در مدرسه. مسئولیت دادن یعنی اینکه من تو را قبول دارم، برو انجامش بده. اگر آن را انجام ندهد باید پاسخگو باشد، یعنی از او بازخواست شود.»

ج) عملکرد مناسب اولیای مدرسه و متناسب بودن حرف و عمل

خانم مشارکت‌کننده «ط» محقق در تربیت دینی می‌گوید: «حالا اگر معلم دروغ نگوید، سر بچه‌ها کلاه نگذارد، بچه‌ها را نیز این گونه بار می‌آورد، اما به‌محض اینکه معلم یک دروغی سر کلاس می‌گوید. و یا از بعضی چیزها طفره می‌رود. بچه‌ها آن را می‌فهمند.»

طبقه سوم (هماهنگی بین خانه و مدرسه) شامل سه زیرطبقه است: همسوسازی آموزش‌ها در مدرسه و خانه، متناسب بودن آموزش مدارس با عملکرد خانواده‌ها، تعادل بخشی و مداخله‌گری مدرسه در مسائل خانواده.

شکی نیست که خانه و مدرسه در صورتی که در هویت‌بخشی به جوانان و به‌خصوص در شکل‌گیری هویت دختران، همسو با یکدیگر حرکت نکنند، محصول آنان هویت‌های دوپاره و دوگانه خواهد بود. فرزندان ما نیمی از ایام زندگی خود را، بلکه بخش عمده تکوین هویت و شخصیت خود را، در سنین ۶ تا ۱۸ سال در مدرسه و نیمی دیگر را در خانواده سپری می‌کنند. در پرتو اهداف مشترک است که مدرسه و خانواده یکدیگر را برمی‌گزینند. بسیاری از مواردی که نقش خانه یا نقش مدرسه معرفی شدند، هم در خانه و هم در مدرسه موضوعیت دارند. این تفکیک در کلام مصاحبه‌شوندگان، زمینه‌های اقدام و عمل را نمایان‌تر می‌سازد. در همین راستا صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به صورت زیر طبقه بندی شده است.

الف) همسوسازی آموزش‌ها در مدرسه و خانه

آقای مشارکت‌کننده «خ» با تخصص مطالعات تربیت دینی بیان می‌کند: «مدرسه باید خانواده‌ها را با خود در یک فضا بکشد. مسائل تربیتی به شکل هماهنگ و کاربردی و همسو با هم در خانه و مدرسه باید مورد توجه قرار بگیرد. رعایت نظم، احساس مسئولیت، مشارکت در انجام امور، انجام وظایف دینی، رعایت حجاب و عفاف و... همه از اموری هستند که نیازمند هم‌اندیشی و اقدامات مشترک خانه و مدرسه هستند.»

ب) متناسب بودن آموزش مدارس با عملکرد خانواده‌ها

آقای مشارکت‌کننده «الف» محقق تربیت دینی جوانان بیان می‌کند: «باید به خانواده آموزش دهیم که مادرها در خانه القائات منفی نداشته باشند. مدرسه هم باید به بچه‌ها القای مثبت کند. البته باید تا حدی واقع‌بینانه با بچه‌ها صحبت کرد.»

آقای مشارکت‌کننده «ت» با تخصص آموزش بهداشت و ارتقای سلامت می‌گوید: «مدرسه است که باید خانواده را با خود همراه کند. اینکه بچه در مدرسه و خانه دو گونه متفاوت عمل کند، اعتقادی داشته باشد که جرئت ابراز آن را نداشته باشد، او را دچار رفتاری نفاق‌آمیز می‌کند. فکر می‌کنم این برمی‌گردد به برنامه‌ریزی مدارس، که نتوانسته‌اند خودشان را با شیوه‌های عملی و روش‌های ایفای نقش تطبیق دهند و صرفاً زیاده‌گویی کرده‌اند.»

پ) تعادل بخشی و مداخله‌گری مدرسه در مسائل خانواده

که مدرسه و معلمان می‌توانند نقش مؤثری در تشویق نوجوانان برای دستیابی به هویت قوی و محکم و فعال و کارآمد داشته باشند (۱۸). Bamman و همکاران نیز به این نتیجه رسیدند که در جوامع امروزی به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی ارزش‌ها و هنجارها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. وارد شدن دیگر نهادهای اجتماعی مانند آموزش و پرورش و رسانه‌ها به مسئله جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگی و به تبع آن، کاهش قدرت نهاد خانواده و خویشاوندان در این زمینه، تفاوت در ارزش‌ها، گرایش‌ها، سبک زندگی و هویت را در پی داشته است؛ بنابراین برنامه‌ریزی مدون و وارد کردن آموزش‌های هویت‌یابی در آموزش و پرورش و رسانه‌ها در شکل‌گیری هویت جنسیتی مطلوب مؤثر است (۱۹). مدارس به عنوان اولین نهاد اجتماعی که کودک وارد آن می‌شود در الگوپذیری و هویت‌یابی کودک نقش دارد. کودک با مشاهده رفتار معلم و تعاملات بین معلم و دانش‌آموز و آموزش‌های مختلفی که در مدرسه برای بالا بردن انواع مهارت در کودکان داده می‌شود تکامل می‌یابد و هویتی کامل را شکل می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی مدون در مدرسه و استفاده از روش‌های اثربخش می‌تواند در شکل‌گیری مناسب هویت جنسیتی دختران سهم بسزایی داشته باشد.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، مشخص شد که تعامل بین خانه و مدرسه و همسو بودن این دو نهاد در شکل‌گیری هویت جنسیتی مؤثر است. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان بیان کردند که همسوسازی آموزش‌ها در مدرسه و خانه، متناسب بودن آموزش مدارس با عملکرد خانواده‌ها، و تعادل‌بخشی و مداخله‌گری مدرسه در مسائل خانواده در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران نقش اساس دارد. Dale بیان می‌کند که در بحران تربیتی امروز، همیاری و تعامل خانواده به عنوان اولین معمار و مدرسه در جایگاه معین و بازوی توانا و یاری‌دهنده به خانواده در شکل‌گیری و تثبیت هویت جوانان و تعدیل سلامت روحی و روانی آنان نقشی کلیدی دارد. در این میان حتی تأثیر عواملی همچون گروه همسالان، که هنگام بلوغ به اوج خود می‌رسد یا رسانه، با هوشیاری دو رکن پیوسته و مقاوم خانه و مدرسه قابل کنترل و مدیریت خواهد بود (۲۰). همسو بودن عملکرد خانه و مدرسه می‌تواند موجب شکل‌گیری هویت جنسیتی مطلوب در دختران شود؛ اما تناقض عملکرد در میان خانه و مدرسه فرد را دچار سردرگمی می‌کند و موجب دوگانگی شخصیت وی می‌شود. بنابراین می‌توان اظهار داشت، تقویت تعاملات بین مدرسه و خانه نقطه قوتی در شکل‌گیری صحیح هویت جنسیتی دختران خواهد بود.

آگاهی‌بخشی و ارائه بینش صحیح از سوی خانه و مدرسه در حرکت‌های شناخت‌مدارانه جوانان اولین گام است. همچنین تا زمانی که مدرسه و خانواده ندانند به کدام سو حرکت می‌کنند و چه مقصود و هدفی از تلاش‌های بسیار برای تربیت فرزندان خود دارند، نتیجه‌ای جز ناکامی و فرسودگی به دست نخواهند آورد. فقدان تربیت روشمند موجب برقرار نشدن

مشارکت‌کننده «الف» با تخصص محقق در تربیت دینی جوانان بیان می‌کند: «مدرسه با توجه به اوضاع دانش‌آموز متوجه می‌شود که وضعیت خانواده به هم‌ریخته است و آن وقت شایسته است که به طور مقتضی وارد عمل شود و با ولی دانش‌آموز ارتباط برقرار کند و بحران موجود را مدیریت کند. فرایند این اقدام، در طول زندگی بچه، موجب می‌شود هویت جنسیتی او خوب و معتدل رشد کند.»

بحث

نوجوان و جوان ما امروز در معرفی خود و کیستی خود دچار نوعی سرگشتگی است و در پی آن است که خود را پیدا کند، اما هرچه بر سرعت خود می‌افزاید، بیشتر در ابهام و بی‌هویتی پیش می‌رود. چنانچه گفته شد، شرایط محیطی و فضا سازی‌های تربیتی در هویت‌بخشی به جوانان و انتظارات و توقعاتی که از خود دارند و همچنین در نقش‌پذیری و رضایت جنسیتی آنان تأثیر اساسی دارد. بر اساس نتایج مطالعه حاضر، خانواده در هویت‌یابی مناسب نقش اساسی دارد. طبق نظر مشارکت‌کنندگان رابطه پدر و مادر، اخلاق و منش پدر و مادر، الگوی تلقینی از سوی پدر و مادر و فضای خانواده در هویت‌یابی دختران بسیار تأثیرگذارند. دختران با تقلید از خانواده به هویت جنسیتی دست می‌یابند. در همین زمینه، Khudyakova بیان می‌کند که خانواده نهادی ارزشمند است و باید جایگاه تعیین‌کننده‌ای در فرایند تربیت داشته باشد. توجه به اهمیت و نقش خانواده به عنوان اولین عنصر شکل‌گیری و سلامت جامعه و جایگاه پدر و مادر و نقشی که هریک در قوام و دوام آن ایفا می‌کنند، مسئله‌ای است که به‌ویژه در دهه‌های اخیر از آن غفلت شده است (۱۴). در بررسی هویت‌ها اولین عاملی که می‌بایست به آن توجه کرد والدین هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت مهم‌ترین عاملی که در شکل‌گیری هویت جنسیتی افراد مؤثر است، خانواده است (۱۵). با توجه به اینکه بخش زیادی از هویت جنسیتی افراد در دوران کودکی شکل می‌گیرد و ارزش‌های فردی را برای دوران بزرگسالی سازماندهی می‌کند، مهم‌ترین نهاد در این زمینه خانواده و گروه خویشاوندان است (۱۶). محققان و متصدیان آموزشی سال‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که پدر و مادر و خانواده نقش بسیار حساسی در شکل‌گیری و کنترل یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کنند (۱۷). بستر و زمینه‌ای که کودک در آن رشد می‌کند، نقشی اساسی در به وجود آمدن شخصیت، روحیات، رضایت از زندگی و هویت او دارد. بنابراین خانواده و افرادی که کودک در سال‌های اولیه زندگی در تعامل با آن‌هاست، در شکل‌گیری هویت جنسیتی او نقش اساسی دارند.

در مطالعه حاضر مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که مدارس به‌ویژه در سال‌های اولیه تحصیل نقشی اساسی در هویت‌یابی دختران دارند. طبق نظر مشارکت‌کنندگان، مدارس از طریق آموزش و مشاوره خانواده‌ها، معرفی الگوها، مسئولیت دادن به دختران، و آموزش مهارت‌های زندگی می‌توانند در شکل‌گیری هویت جنسیتی سالم سهمیم باشند. همسو با نتایج مطالعه حاضر، Espelage بیان می‌کند

از جمله محدودیت‌های این مطالعه، کیفی بودن، قابل‌تعمیم نبودن و وابسته بودن نتایج پژوهش به شرایط و عوامل فرهنگی است، که این خود می‌تواند از دیدگاهی دیگر با لحاظ کردن متغیرهای شرایط محیطی و فرهنگی در مطالعه، توانمندی یا دست‌کم یک ویژگی محسوب شود. پیشنهاد می‌شود از نتایج به‌دست‌آمده در بهبود تعاملات خانه و مدرسه برای هویت‌بخشی مناسب دختران استفاده شود.

نتیجه‌گیری

خانواده و مدرسه دو عامل اساسی و بی‌بدیل در شکل‌گیری هویت متعادل دخترانه و رضایت جنسیتی آنان است. تعامل مناسب بین خانه و مدرسه، و همسو بودن آموزش‌های مدرسه با تربیت خانه می‌تواند در نهادینه کردن هویت جنسیتی مطلوب نقشی اساسی داشته باشد. برای برخورداری از هویت جنسیتی سالم در دختران، پیشنهاد می‌شود به برنامه‌های آموزشی و مشاوره در مدارس و خانواده‌ها و نیز هماهنگی این دو پایگاه تربیتی، توجه ویژه شود تا شاهد نسلی رشدیافته و شایسته از دختران در جامعه و سرزمین خود باشیم.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی هویت جنسیتی دختران با توجه به نقش‌های خانوادگی و اجتماعی آنان در مدارس اسلامی» در دانشگاه علامه طباطبایی است. بدین‌وسیله از تمامی مشارکت‌کنندگان اعم از استادان دانشگاهی و همکاران محترم و کسانی که صبورانه در مصاحبه‌ها و نظرسنجی‌ها شرکت کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

سهم تمامی نویسندگان در این مطالعه یکسان است و هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تناسب میان حجم و برون‌داد اقدامات و تلاش‌های تربیتی شده است؛ چرا که در تعریف تربیت گفته می‌شود: «تربیت فرایندی تدریجی در سوق دادنِ متری از نقطهٔ موجود به نقطهٔ مطلوب است» (۲۱).

بی‌خبری از تحولات و هیجانات نوجوانان در دوران برزخی بلوغ، یعنی دوران میان کودکی و جوانی، و تفاوت‌های ظهوریافته میان دختران و پسران این مقاله به آن اشاره شد، کج‌روی‌های بسیاری را موجب خواهد شد. آگاهی‌بخشی به پدران و مادران و مربیان مدرسه پس از نیازسنجی واقعی از طریق برقراری دوره‌های دانش‌افزایی و کارگاه‌های تعاملی می‌تواند در کاستن از خطاها و انتخاب درست موضع‌گیری‌های تربیتی مؤثر باشد و مربیان و اولیای دانش‌آموزان را از اقدامات نادانسته یا اتفاقی باز دارد. راهکارها و روش‌های متفاوت عملی برآمده از تجربه و خطای خانواده و مدرسه، ممکن است در تخریب هویت و شخصیت نوجوان تأثیری ماندگار داشته باشد. همچنین دانش‌افزایی اولیای دانش‌آموزان از اهمیت بسیار برخوردار است، لذا خانواده و مدرسه در تشکیل و حضور در این دوره‌ها باید جدیت و اهتمام بسیار از خود نشان دهند. هم‌اندیشی و یکپارچگی عملکرد مسئولان واحدهای مختلف آموزشی و تربیتی مدرسه و همچنین مجموعه اولیای دانش‌آموزان مرهون این اقدام اصولی است (۲۲). پس از سه عامل پیشین در بصیرت‌بخشی، هدف‌گذاری و دانش‌افزایی مشترک، برخورداری از اصول همگون تربیتی و راهبردها و روش‌های عملی مشابه و البته متناسب در خانه و مدرسه، جایگاه و نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت یکپارچه و رضایت جنسیتی نوجوانان خواهد داشت. اگر بخواهیم بچه‌ها دوشخصیتی نشوند و تلاش‌های مدرسه هدر نرود، باید پدر و مادرها را در مسائل تربیتی با مدرسه هماهنگ کنیم، تا مخالف مدرسه عمل نکنند. لازمهٔ این کار تشکیل جلسات منظم برای آن‌ها است. تمرکز قوا و جلوگیری از به هدر رفتن نیروها از اصولی است که باید در تعلیم و تربیت رعایت شود.

References

1. Stange MZ, Oyster CK, Sloan JE, editors. Encyclopedia of women in today's world. Sage; 2011 .
2. Lipton S. Encyclopedia of Women in Today's World. Theological Librarianship. 2012;5(1):87-8.
3. Francis fukuyama. Social capital in the tanner lecture on human. oxford 1997. 405-409
4. Boe O. A possible explanation of the achievement of gender and gender identity. Procedia Soc Behav Sci. 2015; (190):17-23 <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.04.910>
5. Kaplan A, Flum H. Identity formation in educational settings: A critical focus for education in the 21st century. Contemporary Educational Psychology. 2012 Jul 1;37(3):171-5. <https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2012.01.005>
6. The document on the fundamental transformation of the education of the Islamic Republic of Iran. Approved 697 Meeting dated July 13, 2011. High Council of Cultural Revolution. <http://iranculture.org/fa/simpleView.aspx?provID=1798>.
7. Peck SC, Brodish AB, Malanchuk O, Banerjee M, Eccles JS. Racial/ethnic socialization and identity development in Black families: The role of parent and youth reports. Dev Psychol. 2014;50(7):1897. <https://doi.org/10.1037/a0036800> PMID:24798504 PMCID:PMC4091974
8. Lin YC, Billingham RE. Relationship between parenting styles and gender role identity in college students. Psychol Rep. 2014;114(1):250-71. <https://doi.org/10.2466/21.09.PR0.114k13w4>

9. Russell ST, Day JK, Ioverno S, Toomey RB. Are school policies focused on sexual orientation and gender identity associated with less bullying? Teachers' perspectives. *J Sch Psychol* 2016; (54):29-38. <https://doi.org/10.1016/j.jsp.2015.10.005> PMID:26790701 PMCID:PMC4927694
10. Hartmann T, Klimmt C. Gender and computer games: Exploring females' dislikes. *Journal of Computer-Mediated Communication*. 2006 Jul 1;11(4):910-31.
11. Brandth B. Gender identity in European family farming: A literature review. *Sociologia Ruralis*. 2002 Jul;42(3):181-200. <https://doi.org/10.1111/1467-9523.00210>
12. Glenn A. Bowen."Document Analysis as a Qualitative Research Method" *Qual Res J*, 2009;9(2):27-40. <https://doi.org/10.3316/QRJ0902027>
13. Graneheim UH, Lundman B. Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Educ Today*. 2004; (24): 105-112 <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2003.10.001> PMID:14769454
14. Khudyakova TL, Gridyaeva LN, Klepach YV. Specific features of gender identity formation in children from single-parent and nuclear families in ontogenesis. *Procedia Soc Behav Sci*. 2016; (233):393-6. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.10.167>
15. Yarhouse MA, Houpp D. Transgender Christians: Gender identity, family relationships, and religious faith. In Sheyma Vaughn (Ed.), *Transgender youth: Perceptions, media influences, and social challenges*. New York, NY: Nova Science Publishers. 2016: 51-65
16. American Psychological Association. Task Force on Gender Identity and Gender Variance.(2009). Report of the task force on gender identity and gender variance.:137-41.
17. Ishimaru AM, Barajas-López F, Bang M. Centering family knowledge to develop children's empowered mathematics identities. *Journal of Family Diversity in Education*. 2015;1(4):1-21.
18. Espelage DL. Sexual orientation and gender identity in schools: A call for more research in school psychology—No more excuses. *Journal of school psychology*. 2016 Feb 1;54:5-8. <https://doi.org/10.1016/j.jsp.2015.11.002> PMID:26790698
19. Bamman D, Eisenstein J, Schnoebelen T. Gender identity and lexical variation in social media. *Journal of Sociolinguistics*. 2014 Apr;18(2):135-60.
20. Dale SP. An introduction to X-Jendā: Examining a new gender identity in Japan. *Intersections: Gender and sexuality in Asia and the Pacific*. 2012;31.
21. Steensma TD, Kreukels BP, de Vries AL, Cohen-Kettenis PT. Gender identity development in adolescence. *Hormones and behavior*. 2013 Jul 1;64(2):288-97.<https://doi.org/10.1016/j.yhbeh.2013.02.020>
22. FAMILY. SCHOOL PARTNERSHIPS FRAMEWORK A Guide for Schools and Families. Australian Government- Departement of Education, Employment and Workplacewww.familyschool.org.au/files/9413/7955/4757/framework.pdf.